امام رضا و تربيت نسل منتظر

زهرا قاسم نژاد صغري لک زايی

چكيده

امام رضا عليه السلام در بيانات خود به مسأله تربيت و انتظار اشاره كرده و گاهي انتظار فرج را برترين فضيلت دانسته اند؛ لذا تربيت نسلي منتظر، اهميت ويژه دارد که لازم است خانواده و جامعه، همگام در راه تحقق اين مهم بکوشند. در تربيت نسل منتظر، تربيت بايد ديني باشد؛ يعني شامل همه ابعاد تربيتي در يک بستر ديني شود.

دانستن شاخصه‌ها و ويژگي‌هاي نسل منتظر، مي‌تواند زمينه‌اي براي تربيت نسلي منتظر باشد. امام رضا عليه السلام در بيانات شريف خود، به اين ويژگي‌ها اشاره فرموده است.

نگارندگان در اين نوشتار پس از بيان مفاهيم تعليم و تربيت، و اخلاق که گاهي با تربيت، يکسان پنداشته مي‌شود، به بيان مسأله ظهور و گستره آن در بيانات امام رضا عليه السلام پرداخته اند؛ سپس شاخصه‌هاي نسل منتظر را از نگاه آن امام بيان كرده و بر مبناي شاخصه‌هايي که امام فرموده است، سازو کارهايي در جهت تربيت ديني نسل منتظر در دو حوزه خانواده و جامعه نموده‌اند.

کليد واژه‌ها: امام رضا عليه السلام، اخلاق، تربيت، تعليم، جامعه، خانواده، نسل منتظر.

مقدمه

هيچ انقلاب و نهضتي، بدون مقدمه و زمينه سازي به پيروزي نخواهد رسيد. انقلاب جهاني امام مهدي عجل الله تعالي فرجه الشريف نيز از اين قانون مستثنا نيست. از آن جا که انقلاب جهاني حضرت مهدي عجل الله تعالي فرجه الشريف مهم‌ترين و عميق‌ترين انقلاب جهاني است، يكي از موارد زمينه ساز براي اين نهضت عظيم، تربيت نسل منتظر است.

مهدي‌باوري و مهدي‌ياوري، دو شاخصه اصلي نسلي است كه بايد زمينه‌ساز حكومت مهدوي باشند. اين دو شاخصه در شاكله نسلي جديد كه با سهمگين‌ترين توفان‌هاي بنيان برانداز دين و دين‌داري رو به رويند، تنها با تربيت ديني اصولي، و همراه بينش و آگاهي شکل مي‌گيرد.

سؤال اساسي، اين است که امروز چه کساني مسؤليت تربيت نسلي منتظر را برعهده دارند؟ آيا خانواده به تنهايي مي‌تواند نسلي منتظر تربيت كند؟ جامعه، چقدر و چگونه در تربيت نسل منتظر نقش دارد؟ آيا شاخصه‌هايي وجود دارد که بتوان بر مبناي آن به تربيت نسل منتظر پرداخت؟

آنچه بيان شد، پرسش هايي است که اين نوشتار درصدد پاسخ گويي به آن است. سعي بر اين است كه پس از ذکر مقدماتي از مفاهيم تعليم و تربيت و انتظار، به پاره‌اي از ساز و كارهاي تربيت ديني با توجه به آموزه‌هاي رضوي اشاره شود؛ تا بتواند در تربيت نسل منتظر، راهگشا باشد.

تعليم و تربيت

وقتي سخن از تربيت است، سه واژه تربيت، تعليم و اخلاق، ارتباطي نزديک و گاهي هم‌معنا پيدا مي‌کنند؛ لذا به بررسي نقاط اشتراک و افتراق اين سه واژه مي‌پردازيم. تعليم، مصدر باب تفعيل است كه از ماده (ع ـ ل ـ م) مشتق شده است و در لغت به معناي آموختن مي‌باشد. راغب اصفهاني مي‌گويد:

تعليم به اموري اختصاص دارد که با تکرار و فراواني همراه باشد، به گونه‌اي که از آن، اثري در ذهن متعلم به وجود آيد. برخي در بيان آن گفته اند: تعليم آگاه کردن نفس براي تصور معاني است و تعلم آگاه شدن نفس بر آن است. (راغب اصفهاني، 1332، ماده علم؛ زبيدي، 1414ق، ماده علم)

از تربيت نيز تعاريف متعددي ارائه شده كه اين تفاوت‌ها ناشي از اختلاف در مورد ريشه اين کلمه است. برخي آن را مشتق از «رب» مي‌دانند و تربيت را مناسب با آن تعريف مي‌کنند. فيومي در المصباح المنير خاطر نشان كرده که اگر کلمه «رب» به غير عاقل مضاف شود، به مفهوم مالک است؛ ولي اگر به عاقل مضاف شود، به معناي سيد است.[3]

ابن فارس در مقاييس اللغه معناي آن را راجع به سه مفهوم مي‌داند:

1. اصلاح الشيء: اگر به مالک و خالق و صاحب يک چيز، رب گفته شود، با در نظر گرفتن اين اصل بوده است؛ چون اين سه اصلاحگر مخلوق و مملوک خود هستند. 2. لزوم الشيء يا همراهي با آن است که مراقبت مداوم از شيء است، و با معناي قبل آن، مناسب است و حالت تدريج و ادامه را در امر تربيت، ضروري مي‌نمايد. 3. ضم الشيء للشيء که آن نيز با مفاهيم قبل، مناسبت دارد و پيوستن و اضافه شدن و جمع شدن چيزي با چيز ديگر را مي‌رساند. (ابن فارس، 2001: ج4، ص18)

در صحاح، معاني مالک، اصلاح کننده و تمام کننده براي اين کلمه ذکر شده است. (جوهري، 1407: ماده ربب)

تعريف راغب در مفردات، تقريباً تمام مضامين مذکور را در جمله‌اي کوتاه خلاصه کرده است:

الرب في الأصل التربيه وهو إنشاء الشيء حالاً فحالاً إلي حدِّ التمام (راغب اصفهاني، 1332 ش: ماده ربب).

استاد شهيد مرتضي مطهري، تربيت را اين گونه تعريف مي‌كند:

تربيت، عبارت است از پرورش دادن؛ يعني استعدادهاي دروني‌‌اي را كه بالقوه در يك شيء موجود است، به فعليت درآوردن و پروردن و لهذا تربيت فقط در مورد جاندارها، يعني گياه و حيوان و انسان صادق است… از همين جا معلوم مي‌شود كه تربيت بايد تابع و پيرو فطرت، يعني تابع و پيرو طبيعت و سرشت شيء باشد. (مطهري، 1373: ص56و57)

با مقايسه آنچه در مجموع درباره معناي ريشه‌اي لغات تعليم و تربيت گفته شد، روشن مي‌شود که نه تنها تعليم، وسيله‌اي براي تربيت به شمار مي‌رود، بلکه خود از مصاديق تربيت است. البته بين تريبت در مقام عمل، و دانش تربيت، فرق است. تربيت در مقام عمل، امرى است كه بر فرد يا گروهى از افراد اعمال مى‏شود يا فرد يا گروهى از افراد، آن را مى‏پذيرند؛ اما دانش تعليم و تربيت ‏يك رشته علمى است كه واقعيت‌ها و موقعيت هاى تربيتى را تحقيق و بررسى مى‏كند و امروزه مشروعيت‏ خود را در عرصه علوم به اثبات رسانده است. وجود علايق خاص، ترتيب سؤال‌ها و شيوة پاسخ دهى به پرسش‌ها، چارچوب مفهومى خاصى را فراهم مى‏كند كه آن را از ديگر علوم متمايز مي‌نمايد.

همچنين در هم تنيدگي فرايند تربيت و اخلاق، در گذشته موجب شده است مرز مشخصي ميان اين دو تصوير نشود و فرايند تربيت با اخلاق همسان پنداشته شوند و اخلاقي بودن به مثابه تربيت‌يافتگي انگاشته شود؛ چنان که غزالي چنين نگاشت:

معني تربيت اين است که مربي، اخلاق بد را از آدمي باز ستاند و به دور اندازد و اخلاق نيکو جاي آن بنهد. (غزالي، 1372: ج 3، ص 52 ـ 53)

يا گفته شده: تربيت صناعتي است که از طريق آن، مدارج عاليه انساني فراهم مي‌آيد و پست‌ترين مراتب انساني به کامل‌ترين رتبه خود مي‌رسند. (خواجه طوسي، بي تا: ص 107)

اين دو تعريف از تربيت، بيانگر آن است که در گذشته در کلام برخي انديشوران، تربيت به معناي اخلاق بوده است.

در تفاوت تربيت و اخلاق شهيد مطهري معتقد است:

تربيت، مفهوم پرورش و ساختن را مي‌رساند و فاقد قداست است؛ اما در مفهوم اخلاق، قداست نهاده شده است؛ لذا برخلاف تربيت که براي حيوانات هم استعمال مي‌شود، واژه اخلاق را در بارة حيوان به کار نمي برند. فن تربيت، وقتي گفته مي‌شود كه منظور، مطلق پرورش باشد به هر شكل، اين ديگر تابع غرض ماست كه طرف را چگونه و براي چه هدفي پرورش دهيم؛ اما درباره اخلاق هر كاري كه انسان، آن را به حكم ساختمان طبيعي اش انجام دهد، فعل طبيعي است، و فعل اخلاقي، فعل غير طبيعي است. (مطهري، 1373: ص96-۹۵)

تربيت ديني

در تربيت نسل منتظر در اين پژوهش، تأکيد بر تربيت ديني است؛ مفهومي كه اينجا براي «تربيت ديني» در نظر گرفته مي‌شود، به برآيند تربيت ديني، يعني دين باوري و دين مداري و شخص دين باور و دين مدار نظر دارد.

دين‌مدار، كسي است كه پيش از هر چيز، حيثيت كاربردي دين را باور كرده و به كاركردهاي مؤثر دين در ساحت‌هاي گوناگون زندگي انساني، يقين داشته باشد.

تربيت ديني بدين ترتيب، هم به جهان‌بيني و مباني اعتقادي و باورهاي انسان نظر دارد و هم به اصول و ارزش‌هاي اخلاقي، حقوقي، سياسي و نظاير آن‌ها متكي است. به‌عبارتي، تربيت ديني هم با انديشه و نظر فرد و هم با اخلاق و عمل او كار دارد.

كرامت انسان، اقتضا دارد كه وي بتواند به پشتوانة ابزار و عناصري شخصي و شخصيتي (نظير حواس ظاهري و باطني، اميال، گرايش‌ها، انفعالات و احساسات) به جايگاه والاي خويش در‌ نظام آفرينش بينديشد و براي نيل به آن جايگاه به كمك اعضاي ظاهري (جوارح) و نيروهاي دروني (جوانح) خويش تلاش مناسب را به عمل آورد. چنين جايگاهي جز از راه معرفت ديني و التزام به رهنمود‌هاي ديني، ميسّر نيست و اين هدف برجسته و مقصود بايسته، تنها با تربيت ديني، قابل تحقّق است.

در مباحث قبل، بيان شد که در مفهوم تربيت برخلاف اخلاق، قداست نيست؛ اما عنوان تربيت ديني، مسأله تربيت را محدود مي‌كند و نوعي قداست و ارزش به آن مي‌بخشد. نظر ما به تربيت ديني بيشتر، از اين منظر است که شخص از نظر اعتقادات و جهان بيني اسلامي به مرتبه‌اي از رشد برسد که دين در اعمال و اخلاق او جلوه‌اي بارز داشته باشد؛ لذا تربيت ديني، در همة ابعاد بايد حضور داشته باشد. در تربيت ديني، فقط ذهن و باورها ملاک نيست؛ بلکه بايد تربيت عقليـ بدني، اجتماعي هم ديني شود.

پيش از ورود به بحث تربيت، به تناسب موضوع، لازم است بحثي از انتظار و منتظر از نگاه امام رضا عليه السلام ارائه كنيم.

انتظار و منتظر از ديدگاه امام رضا عليه السلام

موضوعي که در زمينه مهدويت در کلام امام رضا عليه السلام يافت مي‏شود، موضوع انتظار فرج يا چشم به راهِ گشايش بودن است. آن حضرت در روايات متعددي به موضوع فضيلت انتظار و فرج اشاره کرده‏است؛ از جمله در روايتي خطاب به «حسن بن جهم» که از حضرتش دربارة «فرج» مي‏پرسد، مي‏فرمايد:

«أولست تعلم أنّ انتظار الفرج من الفرج؟» قلت: «لا أدري، إلاّ أن تعلّمني». فقال: «نعم؛ إنتظار الفرج من الفرج»؛ (شيخ طوسي، 1387ش:ص276)

« آيا مي‏داني که انتظار فرج، جزئي از فرج است؟» گفتم: «نمي‏دانم، مگر اينکه شما به من بياموزيد». فرمود: «آري؛ انتظار فرج، جزئي از فرج است».

در روايت ديگري نيز مي‏فرمايد:

ما أحسن الصبر و انتظار الفرج. أما سمعتَ قول العبد الصالح: «و ارتقبوا إنّي معکم رقيب» «وانتظروا إنّي معکم من المنتظرين» فعليکم بالصبر إنّما يجي‏ء الفرج علي اليأس و قدکان الذين من قبلکم أصبر منکم؛ (عطاردي، 1406ق: ج1، ص217)

چه نيکوست صبر و انتظار فرج! آيا سخن بنده صالح خدا [شعيب] را نشنيدي که فرمود: «و انتظار بريد که من [هم] با شما منتظرم» و «پس منتظر باشيد که من [هم] با شما از منتظرانم»؟ بر شما باد به صبر و بردباري؛ چرا كه گشايش، پس از نااميدي فرا مي‏رسد و به تحقيق، کساني که پيش از شما بودند، از شما بردبارتر بودند.

آن حضرت در روايت بسيار زيبايي، فضيلت انتظار را اين‏گونه بيان مي‏کند:

أما يرضي أحدکم أن يکون في بيته ينفق علي عياله ينتظر أمرنا فإن أدرکه کان کمن شهد مع رسول اللّه صلي الله عليه و آله و سلم، بدرا، و إن لم يدرکه کان کمن کان مع قائمنا في فسطاطه؛ (کليني، 1362: ج4، ص2660)

آيا هيچ يک از شما خوش ندارد که در خانه خود بماند، نفقه خانواده‏اش را بپردازد و چشم به راه امر ما باشد؟ پس اگر در چنين حالي از دنيا برود، مانند کسي است که همراه رسول خدا صلي الله عليه و آله و سلم در نبرد بدر به شهادت رسيده است. و اگر هم مرگ به سراغ او نيايد، مانند کسي است که همراه قائم ما و در خيمة او باشد.

در اهميت و ارزش انتظار، همين بس که خداوند، اسماعيل را به سبب همين انتظارش صادق الوعد خوانده است. سليمان جعفري از امام رضا عليه السلام روايت كرده است كه فرمود:

مي دانيد چرا خداوند، اسماعيل را صادق الوعد ناميده است؟ چون او به مردي وعده داده بود، يک سال نشست وانتظار وي را کشيد». (ابن بابويه، 1426ق:ج2، ص79)

گستره موضوع مهدويت و تأثير رويکرد مهدوي بر تربيت نسل منتظر در جامعه رضوي

از آن رو که حکومت امام زمان عجل الله تعالي فرجه الشريف جهاني است، نگاه ما نيز به اين موضوع بايد جهاني باشد. تربيت اسلامي از دو زاويه به انسان مي‌نگرد؛ فردي و اجتماعي. در نگاه اجتماعي اسلام، منظور از اجتماع، شهر و محله نيست و جامعة جهاني مدّ نظر شارع بوده است. ائمه عليهم السلام در تبليغ اسلام، مي‌كوشيده‌اند كه از ابزارهاي جهاني استفاده كنند؛ براي نمونه جلسات عزاداري سيدالشهدا عليه السلام را مي‌توان براي اقشار مختلفي برپا كرد، ولي امام محمد باقر عليه السلام به فرزندشان امام صادق عليه السلام وصيت فرمود تا ده سال در منا ـ كه محل وقوف همة حجاج است ـ براي آن حضرت مجلس روضة سيدالشهدا عليه السلام برپا كند. همين امر باعث شد اين موضوع، توسعه‌اي جهاني يابد و مردم نقاط مختلف دنيا كه براي حج مي‌آمدند، از اين موضوع آگاه ‌شوند. اين تصميم، در حالي عملي شد كه بني‌عباس همة راه‌ها را بسته بودند و بسياري از ابزارهاي تبليغ در اختيار اهل بيت عليهم السلام نبود. بر خلاف ما كه خود را به زبان مليت و قوميت خويش محدود مي‌كنيم، شارع در نگاه تربيتي، اصلاً چنين ديدگاهي نداشته است.

در تربيت صحيح اسلامي، هر مسلمان بايد به گونه‌اي تربيت شود كه بتواند دين خود را به همة جهان ارائه كند و براي تمام عرصه‌ها مهيا باشد؛ زيرا امام زمان عجل الله تعالي فرجه الشريف، امام همة زمين‌ها و زبان‌ها و مليت‌ها است و به هيچ مرزي محدود نمي‌شود. وقتي شيعيان فراتر از مرزها فكر كردند و حضرت مهدي عجل الله تعالي فرجه الشريف را منجي همة جهان دانستند، به طور طبيعي منتظر آن حضرت هم بسته به ميزان گنجايش و ظرفيت محدودي كه دارد، يك منجي مي‌شود كه از مرزهاي زمان و مكان عبور كرده است. مسلماً اين شخص، هم براي اطرافيان و محيط پيراموني خويش مي‌تواند مفيد باشد و هم ديگران را از وجود او بهره‌مند كند.

به استناد آيات قرآن، حضور افراد مؤمن در يك محيط، باعث مي‌شود كه عذاب از بقية مردم نيز رفع شود. خداوند متعال مي‌فرمايد:

>وَمَا كَانَ اللّهُ لِيُعَذِّبَهُمْ وَأَنتَ فِيهِمْ وَمَا كَانَ اللّهُ مُعَذِّبَهُمْ وَهُمْ يَسْتَغْفِرُونَ< (انفال:33)

يعني علاوه بر ديگر فوايد متصور از تربيت اين چنين نسلي، ما مي‌توانيم از بركات تكويني حضور آنان نيز بهره‌مند شويم.

زماني که رويكرد ما در تربيت نسل منتظر، رويکرد جهاني باشد، وظيفه ما مهم تر و بسيار سنگين است. وظيفه در تربيت جهاني به دو قسم تقسيم مي‌شود؛ تربيت خانواده و تربيت جامعه؛ در تربيت خانواده، نقش اصلي را در تربيت نسل منتظر، والدين به ويژه مادر ايفا مي‌کند و در تربيت نسل منتظر در جامعه، حکومت اسلامي بايد با در دست گرفتن ابزارهاي تبليغاتي، تربيت را به سوي تربيت نسل منتظر سوق دهد. بايد ساز و کارهاي اين نوع رويکرد به تربيت را از مفسران وحي الهي ـ يعني ائمه اطهارـ دريافت كرد، پيش از ارائه راهکارهاي تربيت نسل منتظر، شاخص‌هاي نسل منتظر از ديدگاه امام رضا عليه السلام بيان مي‌شود.

شاخص‌هاي نسل منتظر

زماني مي‌توانيم راهکارهاي مناسبي در تربيت ديني نسل منتظر ارائه كنيم که بدانيم نسل منتظر در آموزه‌هاي رضوي، چه شاخصه‌هايي دارند؛ لذا در اين قسمت به آن مي‌پردازيم، تا هم بتوانيم ويژگي‌هاي نسل منتظر را از ديدگاه امام رضا عليه السلام بيان کنيم و هم بهتر بتوانيم ساز و کارها را ارائه نماييم؛ در نتيجه اگر اين ويژگي‌ها در جامعه ديده نمي شود، به خود آييم و تلاشمان را شروع کنيم و اگر اين شاخصه‌ها را مي‌بينيم، در ترويج و برجسته کردن آن‌ها بكوشيم. در واقع، اين شاخصه‌ها، ميزان همبستگي جامعه را با آموزه‌هاي رضوي مشخص مي‌کند. هر اندازه به اين شاخص‌ها نزديکتر باشيم، در حقيقت به فرهنگ رضوي و انتظار نزديک هستيم.

شاخصه‌هاي نسل منتظر از ديدگاه امام رضا عليه السلام

1. توجه به آينده و ايمان به آن

يکي از ويژگي‌هاي نسل منتظر، اين است که به واقعه‏اي که در آينده اتفاق خواهد افتاد، ايمان دارند. خداوند دو هديه بزرگ به ما کرامت فرموده است؛ نخست اين که قيامت را وعده داده و ديگر اينکه ظهور موعود را مطرح کرده است. يکي از ويژگي‌هاي تربيتي انسان منتظر، اين است که به آينده‏اي با وقايع و ويژگي‌هاي خاص مي‏انديشد. امام رضا عليه السلام به مناسبت‌هاي گوناگون روح انديشيدن به آينده و ايمان به آينده‌اي روشن را در وجود ياران خود زنده مي‌كرد و مي‌فرمود:

الْحُجَّةُ الْقَائِمُ الْمُنْتَظَرُ فِي غَيْبَتِهِ الْمُطَاعُ فِي ظُهُورِهِ لَوْ لَمْ يَبْقَ مِنَ الدُّنْيَا إِلَّا يَوْمٌ وَاحِدٌ لَطَوَّلَ اللَّهُ عَزَّ وَ جَلَّ ذَلِكَ الْيَوْمَ حَتَّى يَخْرُجَ فَيَمْلَأَالْأَرْضَ عَدْلًا كَمَا مُلِئَتْ جَوْرا؛ (ابن بابويه قمي، 1395ق: ج2، ص372)

حجت قائم كه در غيبتش انتظار او را كشند و در ظهورش مطاع باشد، اگر از دنيا مگر يك روز باقي نمانده باشد، خدا همان روز را طولانى مي‌نمايد، تا ظهور كند و زمين را پر از عدالت كند؛ همان گونه كه از ستم پر شده است.

اين سخن به مردم، اين نويد را مي‌دهد که بايد به آينده‌اي روشن اميد داشته باشند. انديشيدن و اميد به آينده‌اي روشن، انسان را در انجام وظايفش محکم تر و مشتاق تر مي‌كند؛ بنابراين نسل منتظر بايد به گونه‌اي پرورش يابد که ايمان به آينده‌اي روشن در وجود او نهادينه شده باشد.

2. آمادگي

دومين ويژگي نسل منتظر، آمادگي است. نسل منتظر بايد بداند که در عصر ظهور، داراي چه نقشي است. انسان منتظر بايد آمادگي کارگزاري حکومت جهاني را داشته باشد. امام زمان عجل الله تعالي فرجه الشريف به نيرو و انساني نياز دارد که بتواند با پديده‏ها و شرايط گوناگون، رو به رو شود. اين امر که افراد، در دوران غيبت، قابليت‌ها و تخصص‌هاي خود را گسترش ندهند، با مفهوم انتظار، تطابق ندارد.

امام رضا عليه السلام به گونه‌اي از ظهور، سخن مي‌گفت که اين روح آمادگي را درون انسان‌ها پرورش مي‌داد. آن حضرت از قول جدش صلي الله عليه و آله و سلم مي‌فرمايد:

أَفْضَلُ أَعْمَالِ أُمَّتِي انْتِظَارُ فَرَجِ اللَّه؛ (ابن بابويه، 1378: ج2، ص36)

بهترين عبادات امّت من انتظار فرج و گشايش ]در امور مسلمين[ از جانب خدا است.

معناى انتظار فرج الهى، آماده كردن خود براي آن، و كوشش و خودسازى براى آمدن آن است؛ مانند كسى كه منتظر وقت نماز، يا وقت افطار، يا آمدن مسافرش است كه اين گونه نيست كه بدون هيچ اقدامى دست روى دست بگذارد و بگويد: هر چه شدنى است، خواهد شد. انتظار فرج آل محمّد عليهم السلام را نيز كسانى دارند كه در راه تحقّق آن، شبانه روز مى‏كوشند و خود و جمعيّت خود را براى آن آماده مي‌كنند. و بايد دانست كه هرگاه خود را براى تحقّق و پذيرش ظهور آماده ساختيم، خداوند كار را تمام نموده رحمت خود را شامل ما خواهد كرد؛ در غير اين صورت، نبايد انتظار بيهوده داشت. بنابر روايات بسياري، اين جمعيّت در جهان، پيدا خواهند شد و سعادت ديدار محبوب را خواهند يافت و به مطلوب خواهند رسيد.

3. تفکر جهاني

چهارمين ويژگي نسل منتظر، اين است که از خويشتن بيرون آمده و جهاني شده‌اند. يکي از ويژگي‌هاي انتظار، اين است که انسان‌ها را از درون خودشان بيرون بياورد؛ تا از پرداختن به مسائل جزئي زندگي خود دوري کنند. خود‌محوري براي جامعه، بسيار خطرناک است. خودمحوري، يعني اين که شخص، خود را در حد خود و خانة خود ببيند. اين نوع تفکر، هيچ گاه به نسل آينده نمي‌انديشد و براي تربيت آن‌ها احساس نياز و وظيفه نمي کند؛ در حالي که در احاديث شريف امام رضا عليه السلام مي‌خوانيم که منادي در روز ظهور حجت عجل الله تعالي فرجه الشريف، همه را خطاب مي‌کند، آن حضرت مي‌فرمايد:

هُوَ الَّذِي يُنَادِي مُنَادٍ مِنَ السَّمَاءِ يَسْمَعُهُ جَمِيعُ أَهْلِ الْأَرْضِ بِالدُّعَاءِ إِلَيْهِ يَقُولُ: «أَلَا إِنَّ حُجَّةَ اللَّهِ قَدْ ظَهَرَ عِنْدَ بَيْتِ اللَّهِ فَاتَّبِعُوهُ فَإِنَّ الْحَقَّ مَعَهُ وَ فِيه»؛

او ]حضرت مهدي[ عجل الله تعالي فرجه الشريف كسى است كه ندا دهنده‌اي از آسمان به نام وى فرياد كند كه همه اهل زمين دعوت به سوى او بشنوند؛ گويد: «هان! همانا حجت خدا نزد خانه خدا آشكار شد. او را پيروى كنيد كه حق با او و در او است». (ابن بابويه قمي، 1395: ج 2، ص372)

عبارت «جَمِيعُ أَهْلِ الْأَرْضِ» نشان مي‌دهد که ظهور حضرت عجل الله تعالي فرجه الشريف جهاني است؛ بنابراين تربيت ديني نسل منتظر نيز بايد جهاني باشد. به فرمودة حضرت امام رضا عليه السلام ياران امام عصر از دورترين نقاط جهان گرد هم مي‌آيند: «يَجْتَمِعُ إِلَيْهِ ‏مِنْ أَقَاصِي الْأَرْض». (ابن بابويه قمي، همان، ص378) آنان همه يک ويژگي دارند و آن، اينكه تربيت شده براي امامشان هستند. اين افراد را تفکري جهاني به هم پيوند داده است.

4. زيستن با ياد او

ما بايد به نسل منتظر بياموزيم، از امامي که در پس پرده غيبت است، چگونه بهره ببرد و چگونه با ياد او زندگي کند. نسل منتظر بايد لحظه به لحظه از امام زمان عجل الله تعالي فرجه الشريف بهره بگيرد. هر نعمتي که نصيب همه ما شده، از برکت ياري طلبيدن از امام زمان عجل الله تعالي فرجه الشريف است. يکي از ويژگي‌هاي نسل منتظر، اين است که در همه اعمال، به امام زمان توجه دارد. امام رضا عليه السلام فرمود:

«إِنَّ مِنْ بَعْدِ الْحَسَنِ ابْنَهُ الْقَائِمَ بِالْحَقِّ الْمُنْتَظَر» فَقُلْتُ لَهُ: «يَا ابْنَ رَسُولِ اللَّهِ لِمَ سُمِّيَ الْقَائِمَ» «قَالَ لِأَنَّهُ يَقُومُ بَعْدَ مَوْتِ ذِكْرِهِ وَ ارْتِدَادِ أَكْثَرِ الْقَائِلِينَ بِإِمَامَتِه». (ابن بابويه قمي، همان)

اين سخن، به خوبي نشان مي‌دهد که مردم عصر ظهور، از ياد امام خويش غافلند.

5. خدامحوري

از ويژگي‌هاي نسل منتظر، خدامحوري است. اين ويژگي، جوهره اساسي رفتار و منش فرد ديندار است و در جايگاه مهم‌ترين عامل در ايجاد تمايز تربيت ديني از ديگر حوزه‏هاي تربيتي، مطرح مي‏شود. به‏طور مشخّص، مفهوم خدامحوري عبارت است از «جهت‏گيري کليه اعمال و رفتارهاي انسان به سوي ملاک‌ها و معيارهاي الهي». انعکاس اين امر در فضاي تربيت، بيانگر ويژگي خدامحوري است. امام رضا عليه السلام مي‌فرمايد: «أوّل الأيمان هو التوحيد، و الإقرار للّه تبارك و تعالى بالوحدانية». (عطاردي، 1406: ج 2، ص159)

اين سخن به خوبي وظيفه متوليان تربيت نسل منتظر را روشن مي‌کند که بايد توحيد را در ذهن و جان نسل منتظر وارد کنند.

6. دين محوري

دين، ناظر به کليه جوانب زندگي انسان است و با نگرشي فراتر از رفع نيازهاي موضعي و مادي، جهت‏دهنده بسياري از خواسته‌هاي انسان در روند زندگي از حيث گزينش و نحوه عمل و مسير آن مي‏باشد. دين است كه به زندگي، محتوا مي‌دهد و آن را ازامپراتوري قدرتمند فن آوري كه به اذعان انديشوران، يكي از ثمرات منفي آن، پوچي و بي‌محتوايي زندگي و بي‌معنا كردن آن است، نجات مي‌دهد. همچنين از تحير و سرگرداني ناشي از گرفتار شدن در دريايي از اطلاعات بي‌حد و مرز، نجات مي‌دهد. دين است كه آرامش بخش انسان در دنياي پر از تنش و اضطراب امروزي است. امام رضا عليه السلام يکي از ويژگي‌هاي امام عصر عجل الله تعالي فرجه الشريف را آشکار کردن دين مي‌داند و مي‌فرمايد:

التاسع من ولدك يا حسين هو القائم بالحق، المظهر للدين؛ (عطاردي، 1406: ج1، ص221).

بنابراين انسان‌هايي منتظرند که دين، محور زندگي شان باشند و خواهان ظهور کسي باشند که دين را به معناي واقعي کلمه برايشان آشکار كند.

7. عدالت خواهي

نسل منتظر از بي عدالتي و ظلم، تنفر دارد و مخالفتش را به هر نحو ممکن اعلام مي‌کند. عدالت از مقوله‌هايي است که همة پيامبران زعامت و رهبري خود را بر مبناي آن قرار داده‌اند. امام عصر عليه السلام نيز خود عدالت گستر است و در پي نسلي عدالت خواه. تا مردم، ضرورت عدالت را نفهمند و نخواهند، فرج را انتظار نخواهند داشت؛ لذا امام رضا عليه السلام در برخي موارد، امام مهدي عجل الله تعالي فرجه الشريف را عدالت‌گستر معرفي مي‌کند تا بفهماند كه نسل منتظر، بايد عدالت خواه و عدالت محور باشد. آن حضرت مي‌فرمايد:

فإذا خرج أشرقت الأرض بنوره و وضع ميزان العدل بين الناس. (عطاردي، همان: ج1، ص223)

8. تجلي گاه ويژگي امام زمان عجل الله تعالي فرجه الشريف

نسلي را مي‌توان يک نسل منتظر ناميد که بر اساس تربيت صحيح ديني، ويژگي‌هاي امام، در آن‌ها تجلي يافته باشد يا دست كم، دوستدار و خواهان صفاتي باشند که امامشان دارا است. امام رضا عليه السلام در مناظره خود با راس الجالوت ويژگي‌هاي امام را اين گونه بيان فرمود:

به تورات، انجيل، زبور و قرآن، احاطه داشته باشد و با پيروان هر يك با كتاب خودشان احتجاج كند. همه زبان‌ها را بداند و با اهل هر زبانى با زبان خودش، مباحثه كند. افزون بر اين‌ها، بايد از هر آلودگى و عيبى، پاك باشد. همچنين عادل، با انصاف، حكيم، دلسوز و مهربان، بردبار، اهل بخشش و گذشت، راستگو و نيكوكار، صميمى، امين و مطمئن باشد و امور مردم را حلّ و فصل كند. (قطب راوندي، :ج1، ص350)

اين‌ها برخي از صفاتي است که امام رضا عليه السلام براي امام برشمرده است. در رهرو امام نيز بايد اين صفات ظهور کند. در کشورهاي مسلمان بايد عده‌اي باشند که به همه زبان‌ها آگاهي يابند تا بتوانند با هر کس با زبان خودش احتجاج کنند. بايد عده‌اي از اديان آگاهي کامل داشته باشند، تا بتوانند با پيروان هر ديني طبق آيين خودشان مناظره و بحث کنند. نيز بايد دلسوزي، انصاف، عدالت، راستي، صبر و بردباري، مهرباني از خصوصيات آن‌ها باشد. بنابراين وظيفه متوليان تربيت است که به گونه‌اي نسل منتظر را تربيت کنند که ويژگي‌هاي رهبر و امام شدن و مسؤوليت پذيري در حکومت مهدوي را داشته باشند.

ساز وکارهاي تربيت ديني نسل منتظر از ديدگاه امام رضا عليه السلام

تربيت نسل، يک مسأله بسيار حساس و مهم است که در اسلام به آن اهميت زيادي داده شده است. نکته اساسي‌اي که در آموزه‌هاي رضوي به چشم مي‌خورد، تربيت ديني است. امام رضا عليه السلام دربارة اهميت آموختن تعاليم ديني براي جوانان مي‌فرمايد:

لَوْ وَجَدْتُ شَابّاً مِنْ شُبَّانِ الشِّيعَةِ لَا يتَفَقَّهُ لَضَرَبْتُهُ عِشْرُينَ سَوْطا؛ (مجلسي، بي‌تا: ج75، ص346)

اگر جواني از جوانان شيعه را بيابم که در مقام فراگيري دانش دين نباشد، ]براي تنبيه او[ بيست تازيانه بر او خواهم زد.

اين روايت، نشان مي‌دهد که هر فردي از مسلمانان بايد با آموزه‌هاي ديني آشنا باشد؛ يا به روش اجتهادي يا تقليدى. در غير اين صورت، اهل‌بيت، او را ملامت مي‌کنند.

در اين نوشتار، سازوکارهاي تربيت ديني نسل منتظر را که امام عليه السلام بر آن تأکيد دارد، به دو بخش تقسيم مي‌كنيم؛ يکي سازوکارهاي تربيتي که بايد در خانواده انجام گيرد و ديگري سازوکارهايي که بايد در حوزه جامعه صورت گيرد. البته اين تقسيم بندي، دليل بر آن نيست که در يک مورد، فقط خانواده نقش دارد و ديگري تنها جامعه؛ بلکه جامعه و خانواده در تمام موارد مشترکند؛ اما گاهي در يک مورد، نقش خانواده، نقش اصلي است و به همين جهت آن را در حوزه خانواده ذکر کرده‌ايم.

تربيت نسل منتظر و سازوکارهاي آن در حوزه خانواده

1.توجه به نقش خانواده

در بارة نقش خانواده، بايد به دو مرحله اشاره کرد که در تربيت نسل منتظر، نقش اساسي در بر دارد؛ يکي از اين مراحل، نقش خانواده در تربيت ديني فرزند پيش از تولد او است که مي‌توان از برخي مواردآن، با عنوان عامل زيست شناختي و وراثتي ياد کرد. نقش وراثت و انتقال خلق و خو‌هاي پدر و مادر به فرزندان بر کسي پوشيده نيست. وراثت با وجود اختيار فرزندان، زمينه و بستر مناسبي براي پذيرش و حرکت فرزندان به سوي مسير خاص را فراهم مي‌آورد. از مواردي که امام رضا عليه السلام بر آن تأکيد مي‌فرمايد، اخلاق نيك پدر و مادر است. حسين بن بشار واسطى به حضرت رضا عليه السلام نامه‏اى نوشت كه يكى از بستگانم درخواست وصلت با من دارد؛ ولى بداخلاق است. حضرت در جواب فرمود: «اگر اخلاقش بد است، با او ازدواج نكن». (فلسفي، 1368: ج1، ص176)

در حديثي ديگر حضرت رضا عليه السلام از پدرانش از اميرالمؤمنين عليه السلام روايت كرده است كه حضرت رسول صلي الله عليه و آله و سلم فرمود:

لا تسترضعوا الحمقاء و لا العمشاء فان اللبن يعدى؛ (عطاردي، 1406:ج 2، ص278)

زنان احمق و كم‌بين را براى شيردادن به كودكان خود اختيار نكنيد؛ چرا كه شير زن ]در بچه[ اثر مي‌گذارد.

تأثير وراثت، به معناي اختيار نداشتن انسان نيست؛ بلكه بيان روند طبيعي انتقال صفات از اصل به فرع است. در حقيقت، سعادت، شقاوت، كفر، ايمان و… در كودك، حالت تعليقي دارد كه چون در محيط مساعد قرار گيرد، به فعليت مي‌رسد. به بيان ديگر، نقش وراثت، آن است كه زمينه‌هاي سرشتي را قوي‌تر مي‌كند و ضريب امكان تحقق آن‌ها را در شرايط محيطي مناسب، افزايش مي‌دهد.

پس اگر انسان در انتخاب همسر دقت کند و عوامل ديني و اخلاقي را در اولويت قرار دهد، بستري فراهم مي‌آورد تا در آينده بتواند به آساني محبت حضرت مهدي عجل الله تعالي فرجه الشريف را به فرزند خود انتقال دهد.

پس از انتخاب همسر شايسته، در طليعه ازدواج بايد مهم‌ترين هدف ازدواج که همان تربيت فرزندان صالح است، مورد توجه باشد. بايد ياد خداوند متعال ميهمان قلب‌هاي پاک زن و مرد باشد و آن‌ها، ضمن رعايت ساير آداب نکاح، از خداوند فرزند سالم و صالح بخواهند. در کتاب شريف فقه الرضا، در بارة نخستين برخورد زن و مرد، خطاب به شوهر، چنين آمده است:

هنگامي که زن به خانه تو وارد شد، پيشاني اش را بگير؛ او را به طرف قبله بنشان و بگو: «خداوندا! او را به امانت گرفته ام و با ميثاق تو بر خود حلال کرده ام؛ پروردگارا! از او فرزند با برکت و سالم روزي ام کن و شيطان را در نطفه شريک مساز و سهمي براي او قرار مده». (امام رضا، 1406:ص 54)

در تربيت پيش از تولد کودک، به مرحله انعقاد نطفه نيز بايد توجه داشت. بر اساس آموزه‌هاي ديني، يكي از مراحلي كه در شكل گيري شخصيت ديني و مهدي باور فرزندان مؤثر است، مرحله انعقاد نطفه است. اعمال و رفتار والدين در برخوردهاي تربيتي و مذهبي سهم عظيمي را در اين امر ايفا مي‌کند. خاصه اينکه شرع، دستور‌هاي زيادي براي اين مرحله صادر كرده است كه توجه به آن‌ها گامي مؤثر براي تربيت نسل منتظر مي‌باشد. تجربه نشان مي‌دهد خواندن دعاهايي كه تقويت كننده ارتباط با امامان معصوم عليهم السلام است، در تربيت نسل مهدي باور مؤثر است.

در سورة قصص كه به نقل ماجراهاي قوم بني‌اسراييل و حضرت موسي پرداخته است، خداوند تكوّن شخصيت موسي عليه السلام و رشد او را كنار سه زن مؤمن فوق العاده (مادر و خواهر آن حضرت و همسر فرعون) نشان مي‌دهد كه اين سه زن مي‌توانند الگوي زنان عصر انتظار باشند. مسلماً اگر زنان بخواهند در عصر انتظار، فرزنداني مطهّر تربيت كنند، بايد ويژگي‌هاي فوق العاده‌اي داشته باشند؛ مثلاً مادر حضرت موسي ظرفيت دريافت وحي داشته است؛ (هر چند اين وحي در حدّ انبيا نبوده)

خداوند به مادر موسي نبوت فرزندش را چنين نويد مي‌دهد:

>وَأَوْحَيْنَا إِلَى أُمِّ مُوسَى أَنْ أَرْضِعِيهِ فَإِذَا خِفْتِ عَلَيْهِ فَأَلْقِيهِ فِي الْيَمِّ وَلَا تَخَافِي وَلَا تَحْزَنِي إِنَّا رَادُّوهُ إِلَيْكِ وَجَاعِلُوهُ مِنَ الْمُرْسَلِينَ<؛ (قصص:7).

نويد نبوت مانند مقام‌هاي دنيايي نيست؛ بلكه پيام يك مجموعه مسؤوليت و تكليف است. آن هم حضرت موسي كه قرار بوده با سه قدرت نظامي، سياسي و اقتصادي فرعون، هامان و قارون مبارزه كند. اين زن بايد خود بانويي لطيف، عابد، عارف، سياسي و با درك نظامي باشد كه خداوند به او چنين نويد و جايزه‌اي مي‌دهد وگرنه اگر ظرفيت هريك از اين‌ها را نمي‌داشت، بي‌ترديد، برابر اين بشارت، موضع مي‌گرفت.

مرحله دوم نقش خانواده در تربيت ديني کودک، مرحله پس از تولد است. در اين مرحله نيز به کارگيري اصول تربيتي، نقشي اساسي را در تربيت فرزند ايفا مي‌کند؛ اما عواملي نيز هستند که احاديث سفارش مي‌كنند آن‌ها را در تربيت فرزند رعايت کنيم؛ يكي از اين موارد، لقمه حلال است. خوردن و آشاميدن، شرط حيات انسان و امري است كه امر و نهي نمي‌پذيرد؛ اما اين‌كه انسان چه چيزي را بخورد و چه چيزي را نخورد، مهم است. دين اسلام، براي اين مسأله اهميت فراوان قائل شده است و آيات و روايات فراواني در اين زمينه وجود دارد: >فَكُلُواْ مِمَّا رَزَقَكُمُ اللّهُ حَلالاً طَيِّبًا<؛

پدر و مادر بايد بدانند که لقمه، حتي در دوران جنيني بر ايمان و اعتقاد کودک اثر دارد. علاوه بر اينکه امام رضا عليه السلام به حلال بودن لقمه تأکيد دارد، در سخنان گهربار حضرتش مواردي ديده مي‌شود که برخي مواد غذايي را براي زنان باردار توصيه مي‌فرمايد. آن حضرت در اين باره مي‌فرمايد:

به زنان آبستن خود كندر بخورانيد كه اگر در شكم، پسر دارند، هوشمند و دلير گردد و اگر دختر باشد، خوش خلق و زيبا گردد و…. (کمره اي، 1351ش:ج10، ص217)

2. تحکيم خانواده

در پرورش يک نسل منتظر، خانواده از جايگاه والايي برخوردار است. اگر بنا باشد مردم به حال خود رها شوند و هر كس به دنبال خواسته‌ها و هوس‌هاي خود برود، اجتماع به صورت ناموزون و ناهماهنگ درمي آيد و هرج و مرج و بي‌بند و باري بر آن، حاكم خواهد شد؛ چون اجتماع، وابسته به خانواده و تربيت خانواده است. از آن جا كه اصلاح جامعه، به اصلاح فرد وابسته است، تا فرد، اصلاح نشود، جامعه هم اصلاح نمي‌شود و در اين اصلاح، نقش خانواده و زن، اهميت بسزايي دارد. به طور كلي، اجتماع، همان خصوصياتي را به خود مي‌گيرد كه افراد آن دارند و وقتي محيط، سالم مي‌شود كه افراد آن جامعه، مردماني پرهيزگار باشند و پيوسته در راه اصلاح قدم بردارند. اين حركت تربيتي و اخلاقي در جامعه، نشانگر وجود زنان و مادراني است كه مرداني باايمان و باتقوا را در خانواده و در دامان پر مهر خود پرورش مي‌دهند.

زن و شوهر در روابط عاطفي با يک ديگر بايد اين بيان گُهربار امام رضا عليه السلام را در نظر گيرند که:

اگر مؤمني خشمگين شود، عصبانيت، وي را از طريق حق بيرون نمي برد و اگر شادماني يابد، اين خرسندي، وي را دچار باطل نمي كند و چون به اقتداري مي‌رسد، بيش از آنچه حق دارد، نمي گيرد. (فضل الله، 1380: ص236)

امام رضا عليه السلام در سيره عملي خويش در راستاي تقويت عواطف و تکريم شخصيت حاضران در خانه و در جمع معاشران اين گونه بود. ابراهيم بن عباس مي‌گويد:

هرگز شخصيتي برتر از امام رضا عليه السلام نديدم. هرگز پاي خويش را مقابل همنشين خويش، دراز نمي كرد و پيش از او تکيه نمي داد. به خدمتگزاران دشنام نمي گفت، صدايش به خنده بلند نمي شد و همواره با غلامان و زيردستان خود، کنار سفره غذا مي‌نشست. (اربلي، 1421.ق: ج2، ص247)

3. خودسازي زنان در جايگاه مادران اجتماع

افرادي كه مي‌خواهند در جامعه منتظران، مثمر ثمر باشند و ديگران را در راستاي اهداف جامعه منتظر بسازند، ابتدا بايد خودساخته و مزين به شاخصه‌هاي نيكو باشند. مسأله خودسازي براي همه مهم است؛ اما براي زنان از اهميت بيشتري برخوردار است؛ زيرا نقش اصلي در تربيت نسل منتظر را زنان ايفا مي‌کنند. زنان هستند که وظيفه اصلي آنان ديگرسازي است. اگر زني خود به اخلاق مهدوي مزيّن باشد، مي‌تواند بدون هزينه‌اي نسلي منتظر تحويل دهد. اهميت نقش زنان در اين باره به اين دليل است که مردان بيشتر تك مسؤوليتي هستند؛ يعني تنها به ساختن خويش مي‌پردازند؛ ولي زنان علاوه بر خودسازي به دگرسازي نيز مي‌پردازند كه همان پرورش فرزندان و نسل منتظر باشد. امام رضا7 با توجه به اين مسؤوليت عظيم مادران، سفارش اکيد داشت که با زناني شايسته ازدواج كنند. آن حضرت مي‌فرمايد: ما أفاد عبد فائدة خيرا من زوجة صالحة إذا رآها سرّته و إذا غاب عنها حفظته في نفسها و ماله؛ (عطاردي، 1406: ج2، ص256). از آنچه گفته شد، نتيجه مي‌گيريم که مادر، اولين الگوي اخلاقي براي فرزندان است. در جامعه‌اي که شاخصه‌هاي منتظر بودن در مادر نباشد، تربيت نسلي منتظر محال است؛ لذا براي تربيت نسلي منتظر بر ما است که به تربيت اخلاقي مادران توجه کنيم. البته تربيت ايماني و عبادي مادران هم در تربيت نسل منتظر اثر دارد؛ اما اخلاق مادر چون عملا به کودک نشان داده مي‌شود، اثر بارزتري دارد.

4.باور و ايمان والدين براي تربيتي هدفمند

آنچه در فرآيند تربيت نسل منتظر، مهم است، اين است که والدين باور داشته که در جامعه اسلامي مهدي باور، بايد براي فرزند به تربيتي هدفمند توجه کرد. حضرت زکريا7 افق ديدش اين نبود که فرزندي داشته باشد تا فلان رتبه مادي و دنيايي را به دست بياورد؛ بلکه او به تربيتي هدفمند مي‌انديشيد. حضرت زكريا مي‌گويد: خدايا! به من فرزندي عطا كن كه وارث علم يعقوب شود و عالمي ديني شود كه بتواند علمش را به ديگران منتقل كند؛ نه اينكه صرفاً يك شهروند خوب و سالم باشد. خداوند متعال مي‌فرمايد:

>هُنَالِكَ دَعَا زَكَرِيَّا رَبَّهُ قَالَ رَبِّ هَبْ لِي مِن لَّدُنْكَ ذُرِّيَّةً طَيِّبَةً إِنَّكَ سَمِيعُ الدُّعَاء< (آل عمران:38)

حضرت يحيا، فرزند دوره كهنسالي يك پيرمرد و پيرزن بوده؛ ولي با اين حال، خداوند، او را به مقام ياوري پيامبر اولوالعزم زمان خويش نايل كرد. آن بزرگوار به سبب ممانعت از انجام فعل حرام، به دست «هيرودس پادشاه» به طرز فجيعي به شهادت رسيد؛ ولي الآن با گذشت حدود دو هزار سال همچنان نام و مقبره اش پابرجا است. وقتي يکي از شاخصه‌هاي نسل مهدي باور از نگاه امام رضا عليه السلام انديشيدن به آينده است، اين تفکر، تربيت را نيز هدفمند مي‌سازد.

5. به کار گيري اصول تربيتي

در بارة اصول تربيتي، مي‌توان به نکاتي اشاره کرد؛ از جمله سلامت نفس مربي. کساني که در مصدر و بستر تربيت قرار مي‌گيرند، بايد ابتدا به تربيت خود بپردازند. يک انسان تربيت شده، قادر خواهد بود درجايگاه مربي، نقش خود را به خوبي ايفا کند. در بيماري‌هاي ويروسي و واگيردار، معمولاً شخصي را که به بيماري مبتلا مي‌باشد، از استفاده مشترک از وسايل، منع مي‌كنند؛ زيرا انتقال ميکروب، باعث بيمار شدن افرادي است که در آن محيط زندگي مي‌کنند. در خانواده‌اي که پدري عصباني، پرخاشگر، بدزبان يا مادري مضطرب، وسواسي و افسرده وجود دارد، مسلماً در روحيه فرزندان اثر منفي مي‌گذارد.

از ديگر اصول، توجه به تفاوت‌هاي فردي است؛ يکي از اصولي که مربي بايد در تربيت، به آن، توجه کند، اصل تفاوت‌هاي فردي است. در قرآن کريم، آياتي وجود دارند که تفاوت‌ها و برتري بين افراد را تشريح مي‌کند. تفاوت‌ها در خلقت و در عمل و در محيط‌هاي گوناگون وجود دارد، و شکي نيست که اين تفاوت‌هاي بين افراد، ناشي از حکمت الهي است؛ زيرا همين تفاوت است که آنان و اجتماع را به سوي تکامل مستمر سوق مي‌دهد؛ به طوري که اگر بشر مانند زنبور عسل، يکنواخت خلق شده بود، حسّ ترقي طلبي و بلندپروازي انساني در نهاد او وجود نداشت. گاهي در بعضي از خانواده‌ها به مواردي برمي خوريم كه بعضي از پدران و مادران به اميد داشتن فرزنداني متدين، بدون اينكه ظرفيت روحي و توانايي فرزندشان را در نظر بگيرند، اعمالي را بر آن‌ها تحميل مي‌كنند و با اين روش نادرست، حالت دلسردي و بدبيني به مسائل معنوي در فرزندان ايجاد مي‌كنند و اشكالات گوناگون تربيتي را هم به بار مي‌آورند. امام رضا عليه السلام مي‌فرمايد:

حدّث الناس بما يعرفون، و اتركهم ممّا لايعرفون. (عطاردي، 1406: ج2، ص456)

اى يونس با مردم طبق فهم و دانش آن‌ها سخن بگو، و از آنچه درك نمي‌كنند دست بكش.

6. تشويق جوانان به ازدواج

در جامعه‌اي که سن ازدواج بالا مي‌رود و جوانان تمايلي به ازدواج نشان نمي دهند، فساد اخلاقي روز به روز بيشتر مي‌شود؛ به علاوه، شور و نشاط جواني براي تربيت فرزند در سنين پايين تر، بيشتر است. بايد مشکلات ازدواج جوانان امروزي را که بيشتر مسائل دست و پا گير و ساختگي خودمان است، از سر راه برداشت. 20 تا 25 سالگي، سني است که اوج نشاط و شادابي است و اگر جوانان جامعه در اين سن ازدواج كنند، اين نشاط و فعاليت، صرف تربيت فرزند مي‌شود؛ در نتيجه نسلي که اينان پرورش مي‌دهند، بسيار به معيارها و شاخص‌هاي نسل منتظر، نزديک است. در مقابل، جامعه‌اي که جوانان در فاصله سني بين 30 تا 40 ازدواج مي‌کنند، و نشاط و فعاليت جواني شان صرف تفريحات ناسالم و گناه شده است، پدر و مادري که به تفريحات ناسالم دوران جواني عادت کرده‌اند، آيا مي‌توانند نسل منتظري را تربيت نمايند؟. از امام رضا عليه السلام نقل شده است:

جاء رجل إلى أبي جعفر عليه السلام، فقال أبي: «هل لك من زوجة؟» قال: «لا» قال: «ما أحبّ أن لي الدّنيا و ما فيها و أنى أبيت ليلة ليس لي زوجة» ثمّ قال أبي عليه السلام: «ركعتين يصلّيهما رجل متزوّج أفضل من رجل يقوم ليله و يصوم نهاره أعزب. (عطاردي، 1406: ج2، ص256)

مردى خدمت حضرت باقر عليه السلام آمد. امام به او فرمود: «آيا همسر دارى؟» گفت: «ندارم». فرمود: «من دوست ندارم شبى زن نداشته باشم؛ در صورتى كه همه دنيا مال من باشد». سپس حضرت فرمود: پدرم مى‏فرمود: «دو ركعت نمازى كه مرد متأهل مي‌خواند بهتر از مجردي است كه روزها را روزه داشته باشد و شب‌ها را به عبادت بگذراند».

در محيط خانواده، پدران و مادران بايد فرهنگ صحيح ازدواج و همسرداري را به جوانان بياموزند، تا شاهد تربيت نسلي منتظر باشيم.

تربيت نسل منتظر و سازوکارهاي آن در جامعه

در برخي مسائل تربيت ديني، نقش جامعه نسبت به خانواده پر رنگ تر است؛ لذا در اين نوشتار به برخي سازوکارهاي تربيت نسل منتظر که بر عهده جامعه است، اشاره مي‌کنيم. منظور از جامعه، نهادهاي گوناگوني چون دستگاه‌هاي تبليغاتي، ارگان‌هاي فرهنگي و آموزشي است.

1.شناساندن امام زمان به مردم

آشكار است كه اقبال قلبي، از شناخت و احساس محبّت، مايه مي‌گيرد؛ از اين رو مهم‌ترين وظيفه‌اي كه شيعة منتظر بر عهده دارد، كسب معرفت دربارة وجود مقدّس امام و حجّت زمان خويش است. در روايات نيز بر معرفت امام تأكيد فراواني شده است. در تربيت، معرفت امام زمان عجل الله تعالي فرجه الشريف بهترين وسيله تربيت ايماني نسل منتظر است. اگر معرفت امام براي منتظر حاصل شود، او خود را در جبهه امام مي‌بيند و احساس مي‌كند در خيمه امام و كنار آن حضرت قرار گرفته است؛ بنابراين لحظه‌اي در تلاش براي تقويت جبهه امام خويش کوتاهي نمي کند. اگر بتوانيم انسان‌هايي با معرفت به امام عصر عجل الله تعالي فرجه الشريف تربيت کنيم، مي‌توانيم بگوييم تا حدي براي ظهور، زمينه سازي کرده‌ايم.

امام رضا عليه السلام در هر فرصتي سعي داشت به معرفي آن امام بزرگوار بپردازد. امام به دعبل خزايي فرمود: «يا دعبل! الإمام بعدي محمّد ابني و بعد محمّد ابنه عليّ، و بعد عليّ ابنه الحسن، و بعد الحسن ابنه الحجّة القائم المنتظر في غيبته، المطاع في ظهوره، لو لم يبق من الدنيا إلّا يوم واحد لطوّل اللّه عزّ و جلّ ذلك اليوم حتى يخرج فيملأ الأرض عدلا كما ملئت جورا. (عطاردي، 1406: ج1، ص224)

امام در معرفي نشانه‌هاي قائم به اباصلت هروي فرمود:

در عمرِ پيرمردان و در منظرِ جوانان است، هر گاه كسى او را مشاهده كند، گمان مي‌كند چهل ساله يا كمتر است. يكى از علامات او، اين است كه با مرور شب و روز، پير نمي‌شود؛ تا آن گاه كه اجلش فرا رسد. (عطاردي، 1406: ج1، ص226)

وظيفه نهادهاي گوناگون آموزشي و فرهنگي است که چهره حقيقي امام عصر را براي نسل جوان معرفي كنند.

2. ترويج خدا گرايي در جامعه

ايمان به خدا و خداگرايي در رفتار و اعمال، از نکات مهم و اساسي براي منتظر است. خداوند متعال در قرآن کريم در بارة شيعيان منتظر در آخرالزمان آياتي دارد که ما به يکي از آنها در اينجا اشاره مي‌کنيم؛ خداوند مي‌فرمايد: >يَا أَيُّهَا الَّذِينَ آمَنُواْ مَن يَرْتَدَّ مِنكُمْ عَن دِينِهِ فَسَوْفَ يَأْتِي اللّهُ بِقَوْمٍ يُحِبُّهُمْ وَيُحِبُّونَهُ أَذِلَّةٍ عَلَى الْمُؤْمِنِينَ أَعِزَّةٍ عَلَى الْكَافِرِينَ يُجَاهِدُونَ فِي سَبِيلِ اللّهِ وَلاَ يَخَافُونَ لَوْمَةَ لآئِمٍ ذَلِكَ فَضْلُ اللّهِ يُؤْتِيهِ مَن يَشَاء وَاللّهُ وَاسِعٌ عَلِيمٌ< (مائده:54).

3.ترويج فرهنگ حق باوري (حق پويي)

در دوران آخر الزّمان همه چيز مشتبه مي‌گردد و فتنه‌ها فراوان مي‌شود، ستاره‌هاي آسمان هدايت، ساليان درازي از غروبشان مي‌گذرد وآخرين آن‌ها مدّت‌ها است که از ديدگان بشرغايب شده است، در اين وضعيت مشتبه و آلوده به شبهات، مؤمنان و متعهدان به امام عجل الله تعالي فرجه الشريف ‌بايد مسير حق را تشخيص داده، در مسير آن حرکت كنند. در تربيت انسان منتظر، بايد او را به گونه‌اي پرورش داد که به دنبال حقايق باشد. از منظر امام رضا عليه السلام حق، پذيرش توحيد و حقانيت انبيا از آدم تا خاتم و تصديق همة امامان در جايگاه جانشينان رسول خدا صلي الله عليه و آله و سلم است. در يک کلام حق، پذيرفتن اصول دين است، آن گونه که قرآن و اهل بيت بيان مي‌كنند.[4]

4. گسترش عدالت محوري در جامعه

وقتي به جهان كنوني و مردم ستم ديده و مظلوم مي‌نگريم، در نگاه نخست، چنين به نظر مي‌رسد كه پاك كردن زمين از ظلم و ستم و برچيدن بساط طاغوت، ناممكن است و مظلومان عالم، فريادرسي ندارند، تا حق آنان را از طاغوتيان بگيرد. از سويي، حكمت خداوند بر اين تعلق گرفته است كه زندگاني انسان براساس فطرت خدادادي جاري شده، شالوده آن كه عدالت و عدالت خواهي و ظلم ستيزي است، بدون پاسخ نماند. از طرفي ديگر، مسأله عدل در اسلام از روز نخست در همة زمينه‌ها از بُعد عقيدتي و ديني گرفته تا بُعد فقهي و اجتماعي، مورد توجه و عنايت بوده است.

بشر در طول زمان، هميشه منتظر روزي بوده است كه عدالت در جوامع حاكم شود و هم‌چنان در آرزوي آن، لحظه شماري مي‌كند؛ تا آن رؤياي ديرينه بشر با ظهور عدل مشتهر به وقوع بپيوندد. امام رضا عليه السلام امام زمان را عدالت گستر مي‌داند و مي‌فرمايد:

الرابع من ولدي ابن سيّدة الإماء، يطهّر اللّه به الأرض من كلّ جور و يقدّسها من كلّ ظلم [و هو] الذى يشكّ الناس في ولادته و هو صاحب الغيبة قبل خروجه، فإذا خرج أشرقت الأرض بنوره و وضع ميزان العدل بين الناس، فلا يظلم أحد أحدا؛ (عطاردي، 1406ق: ج1، ص223).

در دعاي افتتاح امام عصر عجل الله تعالي فرجه الشريف با عنوان عدل معرفي شده است: اللّهمَّ وصَلِّ علي وليِّ أمرِکَ القائِمِ المُؤَمَّلِ وَالعَدْلِ المُنْتَظَر؛

وقتي امامي عدالت گستر است، بايد در جامعه نسلي را تربيت کرد که در پي عدالت و خواهان عدالت باشند. عدالت، بايد محور اساسي مسائل جامعه باشد و در بحث عدالت، تفاوتي بين افراد نيست.

5. تقويت دين داري در جامعه

امام رضا عليه السلام مي‌فرمايند: رحم اللَّه عبدا أحيا أمرنا. (فلسفي، 1368: ج1، ص109)

امر دين به معناي مجموعه‌اي از آموزه‌هاي اجتماعي دين است. امام رضا عليه السلام مي‌خواهد که دين توسط مردم زنده نگه داشته شود، بنابراين در تربيت نسل منتظر، بايد دقت کرد که آن‌ها را به گونه‌اي تربيت نمود که مفاهيم و آموزه‌هاي دين را به خوبي بدانند و به احيا و نشر آن نيز بپردازند.

6. منزلت شناسي

از ديگر ابعاد تربيتي نسل منتظر، توجّه دادن او به موقعيت، ارزش و منزلتش در اجتماع بشري و نزد خداوند متعال است. نسل منتظر بايد بداند که جايگاه و منزلتي که در روايات براي او ذکر شده، مقامي بس عظيم و ارزشمند است. بلندي و مرتبت مقام منتظر به حدي است که آنان را به شهداي در راه خدا تشبيه کرده‌اند. انتظار از باور‌هاي بسيار با ارزش در تفکر شيعي و اسلامي است که در روايات ما برترين اعمال امت ناميده شده است. بر همين اساس، منتظر نيز بايد بهترين امت باشد. اتصاف به صفت انتظار، تناسب و سنخيت با اين مفهوم باارزش را مي‌طلبد. جايگاه منتظر، جايگاه يک مؤمن متدين و آشنا به وظايف خويش متناسب با زمان و مکان است. در ارزش، جايگاه و منزلت منتظر مؤمن و متعهد، همين بس که هر کدام از آنان با پنجاه نفر از اصحاب رسول گرامي خدا صلي الله عليه و آله و سلم مقايسه شده و برتر شناخته شده‌اند. اين معنا در کلامي نوراني و آسماني از وجود نازنين پيامبر اسلام صلي الله عليه و آله و سلم چنين آمده است:

«سيأتي قوم من بعدكم، الرجل منهم له أجر خمسين منكم». قالوا: «يا رسول الله نحن كنا معك ببدر و حنين و أحد و نزل فينا القرآن» فقال: «إنكم لو تحملون ما حملوا لم تصبروا صبرهم»؛ (مجلسي، 1421: ج52، ص130)

«بعد از شما قومي خواهد آمد که پاداش هر يک از آن‌ها برابر پاداش پنجاه نفر از شما است». گفتند: «يا رسول الله مگر نه اين است که ما در حضور شما در بدر و احد و حنين شرکت جستيم و قرآن در ميان ما نازل شد؟» فرمود: «اگر آنچه بر آن‌ها روي خواهد داد، بر شما روي مي‌داد، شما نمي‌توانستيد چون آن‌ها صبر و شکيبايي را پيشه خود سازيد».

بنابراين بايد نسل منتظر را آشنا با وظايف و منزلتشان كرد؛ تا دشمنان نتوانند با تبليغات، شأن و منزلت آن‌ها را کمرنگ نشان داده، آن‌ها را مجذوب خود کنند.

7.نهادينه کردن فرهنگ انتظار

يکي از عقايدي که بايد آن را در نسل منتظر نهادينه کرد، انتظار فرج است. عقيده منتظر بودن، انسان را به گونه‌اي رشد مي‌دهد که متناسب با جامعه مهدوي باشد. امام رضا عليه السلام مي‌فرمايد:

إِنَّ الْقَائِمَ مِنَّا هُوَ الْمَهْدِيُّ الَّذِي يَجِبُ أَنْ يُنْتَظَرَ فِي غَيْبَتِه؛ (ابن بابويه قمي، 1395: ج2، ص377) به راستى قائم ما كه مهدى است، آن است كه بايد در حال غيبتش انتظار او را بكشند.

انتظار در زمان غيبت که امام رضا عليه السلام در کلام خود از آن سخن گفته است، انتظاري عملي است؛ يعني نسلي که همچون امام زمان زندگي مي‌کنند و مي‌كوشند در غياب حضرت، فرهنگ مهدوي را بر جامعه حاکم کنند. اين انتظار است که پسنديده و نيکو و مورد نظر امام است.

8. ايجاد فضاي مساعد تربيتي در جامعه

محيط مساعد تربيتي، براي تربيت همه جانبه لازم است. اگر جامعه اصلاح نشود، تلاش مربيان به نتيجه مطلوب نمي‌رسد. جامعه فاسد، افراد را به فساد مي‌كشاند. يك نسل مطهّر، نيازمند يك فضاي سالم است تا بتواند در آن رشد كند؛ به عبارت ديگر، براي آنكه فرزندان و نسلي منتظر و مطهّر از خود به يادگار بگذاريم، لازم است پيش از آن، خود به اين باور برسيم كه مي‌توانيم و بايد چنين فضاي طاهري را مهيّا كنيم. در بستر چنين فضاي طاهري است که انجام وظايف عبادي براي نسل جديد امکان پذير مي‌شود. انقلاب امام مهدي عجل الله تعالي فرجه الشريف يک انقلاب جهاني است، نه يک انقلاب منطقه‌اي و محلي. نمي توان تنها به آموزش و تربيت کودک در خانه و مدرسه همت گماشت؛ در حالي که فضاي کشور و جهان، فضايي ضد مهدوي است.

امام رضا عليه السلام در زمان خود با وجود حکامي چون مأمون با تدابير خود فضاي مطهّري را براي نشر فرهنگ اسلام به وجود آورد. به نظر مي‌رسد زهد و پرهيزکاري امام بود که اين فضاي مطهّر را به وجود آورد؛ لذا بر متوليان امر تربيت است که با تمسک به سيره عملي امام، فضايي مطهر را در جامعه به وجود آورند. يکي از روش‌هاي امام عليه السلام امر به معروف بود که پيوسته آن را به اصحاب سفارش مي‌کرد و مي‌فرمود:

إذا امتّى تواكلت الأمر بالمعروف والنّهي عن المنكر فليأذنوا بوقاع من اللّه تعالى؛ (عطاردي، 1406: ج2، ص382) هر گاه امت من امر به معروف و نهى از منكر را ترك كنند، بايد در انتظار عذاب پروردگار باشند.

امام نه تنها مردم را به امر به معروف و نهي از منکر دعوت مي‌كرد، بلکه خود نيز به اجراي اين فريضه الهي مي‌پرداخت تا فساد و فحشاي دشمن را خنثا كند. در کتاب ارشاد ذکر شده است كه على بن موسى عليه السلام در خلوت، مأمون را بسيار نصيحت مي‌كرد و از خداوند عز و جل بيم مى‏داد و كارهاى خلافى را كه انجام مى‏داد، تقبيح مى‏كرد (شيخ مفيد، 1413: ج2، ص269).

9. آموزش و گسترش مراسم عبادي در جامعه

از راه‌هاي تعالي و رشد معنويت و باورهاي ديني در خانواده و جامعه، آموزش وگسترش فرايض الهي در جامعه است. در اين مورد نيز والدين بايد در خانه بكوشند تا انجام فرايض عبادي و فلسفه آن را براي فرزند بيان کنند. در کنار اين آموزش، نهادهاي تربيتي جامعه چون آموزش و پرورش، دانشگاه، صدا و سيما و رسانه‌هاي تبليغاتي هم بايد در گسترش تعاليم و فرايض عبادي دين بکوشند؛ براي نمونه مي‌توان در جامعه، فريضه الهي نماز را گسترش داد که به گفته قرآن کريم، نماز بازدارنده از فحشاء و منکرات است. امام رضا عليه السلام در بارة فلسفه نماز مي‌فرمايد:

إنّ علة الصلاة أنها إقرار بالرّبوبية للّه عزّ و جلّ، و خلع الأنداد و قيام بين يدي الجبّار جلّ جلاله بالذّلة و المسكنة و الخضوع و الاعتراف، و الطّلب للإقالة من سالف الذّنوب، و وضع الوجه على الأرض كلّ يوم إعظاما للّه جلّ جلاله و أن يكون ذاكرا غير ناس و لا بطر و يكون خاشعا متذلّلا راغبا طالبا للزيادة في الدّين و الدنيا مع ما فيه من الإيجاب، و المداومة على ذكر اللّه عزّ و جل باللّيل و النهار و لئلّا ينسى العبد سيّده و مدبّره و خالقه، فيبطر و يطغى و يكون ذلك في ذكره لربّه عزّ و جلّ، و قيامه بين يديه‏ زاجرا له عن المعاصي، و مانعا له من أنواع الفساد. (عطاردي، همان: ج2، ص155)

از ديگر موارد تاثيرگذار در جامعه مي‌توان به همجواري و بودن در محضر قرآن اشاره کرد. تعاليم قرآني بايد به طُرق گوناگون بين افراد جامعه شناخته و عمل شود. امام رضا عليه السلام مي‌فرمايد:

اجْعَلُوا لِبُيُوتِکُمْ نَصِيباً مِنَ الْقُرْآنِ فَإِنَّ الْبَيْتَ إِذَا قُرِئَ فِيهِ الْقُرْآنُ يُسِّرَ عَلَى أَهْلِهِ وَ کَثُرَ خَيْرُهُ وَ کَانَ سُکَّانُهُ فِي زِيَادَة؛ (فيض کاشاني، بي تا: ج2، ص220)

براي خانه‌هاي خود، بهره‌اي از قرآن کريم، قرار دهيد؛ زيرا در خانه‌اي که قرآن قرائت شود، گشايش براي ساکنانش فراهم آيد و خيرش فراوان شود و اهل خانه در برکت و فزوني باشند.

10. تأکيد بر نقش تعقل در جامعه

عده‏اى بر اين باورند كه عبادات، منحصر است در انجام نماز و خواندن نمازهاى مستحب و گرفتن روزه‏هاى واجب و مستحب، بدون آن كه در رمز و راز آن انديشه كنند، يا در زمان و اوضاع آن تعقل نمايند؛ در حالي که در قرآن بيش از هزار بار، كلمة «علم» و مشتقات آن، كه نشانه بارورى خرد و انديشه است تكرار شده است و افزون بر هفده آيه به طور صريح انسان را به تفكّر دعوت كرده است. بيش از ده آيه با كلمه «انظروا» (دقت كنيد) شروع شده است. بيش از پنجاه مورد كلمه «عقل» و مشتقّات آن به كار رفته است و در چهار آيه نيز قاطعانه به تدبّر در قرآن امر شده است. همچنين از كلمه «فقه» و «تفقّه» و امثال آن بهره گرفته شده است. امام هشتم اصلي‌ترين عبادت را انديشيدن و بهره‏ورى از خرد مى‏داند و مي‌فرمايد:

ليست العبادة كثرة الصّيام والصّلوة، وانّما العبادة كثرة التّفكر فى امر اللّه؛ (ابن بابويه، 1378: ج1، ص156)

عبادت، زيادى روزه و نماز نيست؛ بلكه بسيار انديشيدن در امر خداوند است.

11. ارج نهادن به پرهيزکاري در جامعه

محمد بن موسى بن نصر رازى مي‌گويد: از پدرم شنيدم كه مي‌گفت: مردى به حضرت رضا عليه السلام عرض كرد: «به خدا قسم! روى زمين، از جهت پدر، احدى شريف تر از تو نيست» آن بزرگوار فرمود: « پدران مرا تقوا مشرف ساخت و اطاعت خدا، ايشان را بهره‏مند گردانيد». مرد ديگرى به آن بزرگوار عرض كرد: «به خدا قسم كه بهترين مردمانى». آن حضرت فرمود: «اى مرد! قسم ياد مكن. بهتر از من كسى است كه نزد خدا تقواى او زيادتر از من باشد و اطاعت خدا را بيش از من رعايت كند. به خدا قسم! اين آيه نسخ نشده است: >وَجَعَلْناكُمْ شُعُوباً وَ قَبائِلَ لِتَعارَفُوا إِنَّ أَكْرَمَكُمْ عِنْدَ اللَّهِ أَتْقاكُم<. (ابن بابويه قمي، 1378: ج2، ص236)

12. تبليغات سالم همراه با عمل

در ارائه دين به مردم، نقش تبليغات بسيار مهم است. امام رضا عليه السلام مي‌فرمايد: اگر مردم، معارف دين را از ما مي‌شنيدند، عاشق دين مي‌شدند. (ابن بابويه، 1403: ص180)

اگر اسلام ناب و صحيح از زبان اسلام شناسي آگاه و دلسوز گفته شود، همه تشنگان را به خود جذب کرده و مکاتب مادي و ضد ديني تعطيل مي‌شود؛ چون مردم مي‌فهمند که سعادت آن‌ها در سايه دين است.

امروزه کشورهاي بزرگ، تحقيقات گسترده‌اي در زمينه اسلام انجام مي‌دهند و به طور مرموز با نوشتن کتاب و مقاله و فيلم و نمايشنامه با نام دين، دين را مي‌کوبند. وظيفه ما است که با تبليغات سالم، همراه علم و عمل، به مبارزه با دشمنان اسلام برخيزيم.

نتيجه

يکي از مسائل حساس جامعه کنوني، تربيت نسلي است که با امام عصر خود و فرهنگ ظهور آشنا باشند. در اين راستا، خانواده و جامعه هر دو نقشي اساسي را در تربيت ديني نسل منتظر ايفا مي‌كنند.

امام رضا عليه السلام به موضوع مهدويت نظر داشته و در روايات متعددي به موضوع فضيلت انتظار اشاره فرموده است. از نگاه آن حضرت، دين محوري، خدامحوري، انديشيدن به آينده، با ياد امام عصر زندگي کردن، تفکر جهاني داشتن، و آمادگي ظهور و تخلق به اخلاق امام، از شاخصه‌هاي نسل منتظر است.

با توجه به ويژگي‌ها و شاخصه‌هايي که آن امام براي نسل منتظر ارئه مي‌دهد، مي‌توان راهکارهايي را براي تربيت ديني نسل منتظر ارائه داد. در تربيت ديني نسل منتظر، خانواده و جامعه هر دو تاثير بسزايي دارند؛ لذا در اين نوشتار، سازوکارهاي تربيت ديني در دو حوزه خانواده و جامعه به طور جداگانه بررسي شده است. البته تعيين کردن يک سازوکار براي خانواده به معناي تأثير نداشتن جامعه نيست؛ بلکه در تمام موارد، خانواده و جامعه با هم نقش دارند؛ اما گاهي نقش يکي از ديگري پررنگ تر و حساس تر است. توجه به نقش خانواده، باور و ايمان والدين براي تربيتي هدفمند، خودسازي اخلاقي زنان در جايگاه مادران اجتماع، تحکيم خانواده، به کار گيري اصول تربيتي و تشويق جوانان به ازدواج، از راهکارهايي است که نقش خانواده در آن پررنگ تر است.

شناساندن امام زمان عجل الله تعالي فرجه الشريف به مردم، ترويج خداگرايي در جامعه، ترويج فرهنگ حق باوري و خدامحوري و عدالت خواهي، تقويت دينداري و ايجاد فضاي مطهر، آموزش و گسترش مراسم عبادي، تأکيد بر نقش تعقل و نهادينه کردن انتظار فرج از مسائلي است که جامعه در اجراي آن نقش حساسي دارد.

فهرست منابع

قرآن کريم.

1. ابن بابويه قمي، محمد بن علي، عيون اخبارالرضا، بيروت، موسسه الاعلمي للمطبوعات، 1426ق.

2. ــــــــــــــــــــــــــــ ، کمال الدين و تمام النعمه، تهران، اسلاميه، چ2، 1395.ش.

3. ــــــــــــــــــــــــــــ ، معاني الاخبار، قم، جامعه مدرسين، 1403ق.

4. ابن فارس، أبو الحسين أحمد بن فارس، مُعْجَمُ مقاييس اللُّغَة، بيروت، دار إحياء التراث العَرَبي، 2001م.

5. اربلي، علي بن عيسي، کشف الغمّة، قم، انتشارات الشّريف الرّضي، 1421ق.

6. امام رضا، علي بن موسي، الفقه يا فقه الرضا، تحقيق مؤسسه آل البيت، مشهد، انتشارات المؤتمر العالمي للامام الرضا، 1406 ق.

7. امين، سيد محسن، اعيان الشيعه، بيروت، دارالتعارف للمطبوعات، 1406ق.

8. جوهري، اسماعيل بن حماد، تاج اللغة، بيروت، دار العلم للملايين، چ4، 1407ق.

9. خواجه طوسي، نصير الدين، اخلاق ناصري، تهران، خوارزمي، بي تا.

10. راغب اصفهاني، حسين بن محمد، المفردات، تهران، مرتضوي، 1332ش.

11. زبيدي، مرتضي، تاج العروس، بيروت، دارالفکر، 4141ق.

12. شيخ طوسي، محمدبن حسن، الغيبه، قم، انتشارات مسجد جمکران، 1386ش.

13. شيخ مفيد، الإرشاد، قم، کنگره شيخ مفيد، 1413ق.

14. عطاردي، عزيز الله، مسند الامام رضا عليه السلام، مشهد، آستان قدس، 1406ق.

15. غزالي، ابوحامد، احياء العلوم، تهران، انتشارات علمي و فرهنگي، چ3، 1372ش.

16. فضل الله، محمد جواد، تحليلي از زندگي امام رضا عليه السلام، ترجمه سيد محمد صادق عارف، مشهد، بنياد پژوهشهاي اسلامي آستان قدس رضوي، 1380ش.

17. فلسفي، محمد تقي، روايات تربيتي، تهران، دفتر نشر فرهنگ اسلامي، 1368ش.

18. فيومي، احمد بن محمد، المصباح المنير، بيروت، مکتبه لبنان، 1987م.

19. قطب راوندي، الخرائج و الجرائح، قم، مدرسه امام مهدي، 1409ق

20. کليني، محمد بن يعقوب، اصول کافي، تهران، نور، 1362ش.

21. کمره اي، محمد باقر، آسمان و جهان، تهران، اسلاميه، 1351ش.

22. مجلسي، محمد باقر، بحار الأنوار، بيروت، دارالمعارف للمطبوعات، 1421ق.

23. مصطفوي، حسن، التحقيق، تهران، وزارة الثقافة و الارشاد الاسلامي، 1416ق.

24. مطهري، مرتضي، تعليم و تربيت در اسلام، تهران، صدرا، 1373ش.

â. دانشجوي دکتري علوم قرآن و حديث دانشگاه اصفهان.

ââ. دانشجوي کارشناسي ارشد علوم قرآن و حديث دانشگاه قم.

[3]. ر. ك: فيومي، 1987م، ماده ريب.

[4]. ر.ک: ابن بابويه قمي، 1426: ج1، ص120-125.